PAYKAREH
Journal of Art Faculty Shahid Chamran University of Ahvaz
Aesthetic, Decorative and Structural Aspects of the Golden Chandeliers of Qajar era Kept in Museum of Hazrat Masoumeh (pbuh) Shrine
Vol. 7, No. 14, Autumn 2018, Winter 2019, P. 1-13

EXTENDED ABSTRACT

Aesthetic, Decorative and Structural Aspects of the Golden Chandeliers of Qajar era Kept in Museum of Hazrat Masoumeh (pbuh) Shrine

Hanieh Gheisi *[1] Victoria Karimi [2]
1. *MA in Graphics. A lecturer at Tehran Soore University. Iran.
Bavar98@yahoo.com
2. MA in Illustration. A lecturer at Tehran Soore University. Iran.

Received: 13.12.2018
Accepted: 21.1. 2019

Introduction

Chandelier is one of the illumination devices used as hanging from the ceiling. Unlike other illumination devices, which are used merely to illuminate the surrounding environment, chandeliers are rooted in religious beliefs and hence they are usually used in religious places. The present research aimed at studying the golden chandeliers of Qajar era kept in Museum of Hazrat Masoumeh (pbuh) Shrine in terms of aesthetics, structure, color, decoration and design. Why various ornate chandeliers have been used in the Museum is the research question of this study. Ali Asghar Daraie (1998), Nazeleh Rahmani (2001) and Mahnaz Shayestehfar (2002) studied mirror chandeliers in terms of function and illumination. In this study, however, several gold-inlaid chandeliers in Museum of Hazrat Masoumeh (pbuh) Shrine were studied in terms of aesthetic considerations.

Keyword:
aesthetics
chandelier
decorations
Museum of Hazrat Masoumeh (pbuh) Shrine

Methodology

The methodology of this study is analytic. Three cases of Chandeliers of the Museum of Hazrat Masoumeh (pbuh) Shrine, one copper chandelier, one gold-inlaid chandelier and one enameled, gold-inlaid chandelier, were examined in terms of aesthetic aspects and their features were compared to each other.

Findings and Discussion

Copper Chandelier (No 1017)

This chandelier, gold-coated and incrustrated with precious gems, has a spherical middle body. Also, it has 28 vertical facets coated with pure gold and incrustrated symmetrically with precious stones such as diamond, ruby and emerald. The upper part has four inscriptions in enameled Nastaliq along with colorful arabesques and two poetic verses each of which has two hemistiches. The number of all stones used is nearly 5 times as many as the ruby stones; the number of diamond stones is 5 times as many as the garnet stones and the number of diamond, ruby, garnet and diamond stones is in sum as many as all he incrustrated pearls. The mathematical proportion followed, in terms of the number of precious stones used and the proportion of the number of ruby

stones to diamond stones as well as that of diamond stones to garnet has been so admirably calculated that even without sufficient light, the chandelier shows a brilliant illumination. The number 5 in this chandelier represents a symbolic concept favored by its maker.

Picture 1
Golden Chandelier (No 1017)
Photographer: Amir Hesaminejad

Picture 2
Gem –Incrustrated Golden chandelier (No 1018)
Source: The authors

Picture 3
Enameled Golden Chandelier (No 1019)
Source: The authors

Gold Chandelier (No 1018)

This chandelier, incrustrated with precious gems, is composed of three parts: The middle part has five raised medallions each of which is incrustrated with a large piece of cut emerald the edge of which is decorated with 10 pieces of small ruby. The upper and lower parts, connected to each other by the middle part, are flaring in shape with lobed edges. The sentence [This chandelier] was dedicated to Hazrat Masoumeh (pbuh) (وقف حضرت معصومه نمود in Persian) has been engraved on the lower part in Nastaliq. The inward wall of this chandelier is made of copper. Also, the middle body has been decorated with two rows of repetitive herbal patterns and two raised circles. The delicate wall of the chandelier has made it curved in certain spots in the course of time. Aesthetically, the glitter of light doubles the beauty and brilliance of the chandelier.

Enameled Chandelier (No 1019)

The ratio 2:1 has been respected in all parts of the chandelier even for the chandelier chain. The chandelier has been adorned with enameled motifs of colorful flowers and leaves (green, blue and red). The upper and lower parts, both connected to the spherical middle part, are flaring in shape. Also, the upper and lower parts have 6 equidistant decorated sides. The chandelier has 5 copper chain strands all of which are connected to a medallion silver amulet. Different numbers can be seen on the amulet. The ratio 2:1 has been respected for the chains. In certain parts the enamel has been chipped away and the color has been peeled off. Aesthetically, not only the individual parts of the chandelier are independently appreciable but the chandelier itself, as a whole, seems to be a novel experience in painting and metalwork. Light, shade and color have

been intriguingly tied in with each other. In the presence of brilliance of light, not only the colors have not become lackluster but become more animated. The chandelier has applied lighter colors for the middle part apparently to give the middle part a degree of opaqueness.

Conclusion

Chandeliers which in essence are related explicitly with light and implicitly with divinity, have been made in different sizes, designs, decorations and motifs. It seems that the makers of such chandeliers have tried to increase the brilliance of them, both visually and spiritually, by adding precious glittering stones. Therefore, proportions and ratios have been precisely respected. Even in those parts where no emerald or ruby stones have not been used, the arrangement and combination of colors and enamel work has been conducted so skillfully that splendor and attraction of the work has doubled.

References

- Daraie, A.A(1998). The spiritual chandeliers and religious outlook. Quarterly of Islamic Education (33): 32-37.
- Rahmani, N(2001). An introduction of an exceptional chandelier from Safavid era. Golestan-e-Qoran (68): 22-269.
- Shayestehfar,M(2002). The place and representation of religion in Persian chandeliers. Meshkaat (74-75). 148-154.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هانیه غیثی *
ویکتوریا کریمی **

تاریخ دریافت: ۲۲ / ۹ / ۹۷
تاریخ پذیرش: ۱ / ۱۱ / ۹۷

زیبایی شناسی، تزئینات "قندیل‌های طلا" در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با تکیه بر ساختار

چکیده

قندیل یکی از انواع وسایل روشنایی است که به‌صورت آویخته از سقف مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شئ برخلاف دیگر وسایل روشنایی که صرفاً جنبه روشنایی به محیط را دارند، دارای ریشه و پیشینه دینی است و معمولاً در اماکن مذهبی از آن استفاده می‌شود. مقاله حاضر با رویکرد زیباشناختی به بررسی ساختار، رنگ، نقوش و تزئینات، قندیل‌های ساخته شده از جنس طلا دوره قاجار که در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) موجود است می‌پردازد. مسئله این مقاله تحقیق، چرایی وجود قندیل‌های متعدد و متنوع در حرم حضرت معصومه (س) و بررسی انواع تزئینات به‌کار رفته در آن‌ها است. سوال اصلی پژوهش حاضر بدین شرح است: قندیل‌هایی اهدائی حرم حضرت معصومه (س) در قم، چه ویژگی‌هایی دارند و تزئینات اصلی آن‌ها چیست و سازندگان آن چرا و چگونه آن‌ها را به کار برده‌اند. این مقاله، با بررسی سه نمونه از قندیل‌های حرم حضرت معصومه (س) و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، نتایج خود را با ترکیبی از روش‌های توصیفی، تحلیلی وتطبیقی و استفاده از تصاویر قندیل‌های موزه حضرت معصومه و منابع کتابخانه‌ای ارائه می‌کند. نتایج سه قندیل طلایی موجود موزه آستانه حضرت معصومه، از لحاظ زیبایی‌شناسی ظاهری و ساختار، با توجه به رنگ و استفاده از سنگ‌های تزیینی پرتلالو که پر تعداد هم هستند و با تناسب خاصی به‌کار رفته‌اند، و نیز با توجه به هنر مرصع‌کاری و میناکاری استفاده شده بر روی قندیل، به نظر می‌رسد که به تنهایی اثر هنری کاملی خلق شده است، اما وقتی که این قندیل‌ها در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرند و با نور تلفیق می‌شوند در می‌یابیم که بازی نور و رنگ عجیبی به راه می‌افتد که جلوه معنوی فضا را دوچندان می‌کند.

کلیدواژه:
زیبایی‌شناسی
قندیل
تزئینات
موزه حرم حضرت معصومه (س)

کارشناسی ارشد گرافیک. مدرس گروه گرافیک. دانشگاه سوره تهران. ایران*
Bavar98@yahoo.com
کارشناسی ارشد تصویرسازی. هیات علمی گروه گرافیک. دانشگاه سوره تهران. ایران**
Victoria_k20032002@yahoo.com

مقدمه

ابزار و وسائل روشنایی از جمله اشیائی هستند که با نور در ارتباط بوده و به منظور برطرف نمودن نیازهای مادی و معنوی بشر ساخته شده‌اند و قندیل از جمله این اشیاء است. با استفاده از علم زیبایی‌شناسی قرار است ماهیت قندیل به عنوان یک اثر هنری را دریابیم و این‌که چرا در روی قندیل‌ها از سنگ‌های تزیینی استفاده شده و با چه هدفی روی قندیل قرار گرفته‌اند. تمامی شواهد و مدارک در ادوار مختلف اسلامی، قندیل را فراتر از وسیله‌ای روشنایی‌بخش و به عنوان چراغی نماد نورالهی و اشرق معنوی معرفی کرده‌اند. به همین دلیل در گذشته، از قندیل به عنوان چراغ ویژه اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه استفاده می‌شده است. در حرم حضرت معصومه (س) در قم نیز از دیرباز از قندیل‌هایی که با جواهرات گران‌بها و درخشان تزیین شده بودند؛ به عنوان وسیله روشنایی استفاده می‌کرده‌اند که به سه نمونه از این قندیل‌ها در ادامه اشاره خواهیم داشت.

پیشینه

درباره قندیل و جایگاه آن قبلاً علی اصغر دارایی در سال ۱۳۷۷ در مجله رشد آموزش و نازله رحمانی یک قندیل دوره صفویه را در مجله گلستان قرآن ، سال ۱۳۸۰ و سرکار خانم دکتر مهناز شایسته فر مقاله‌ای در سال ۱۳۸۱ چاپ کرده‌اند و همین طور بهنام پرویز به‌طور خلاصه قندیل آبگینه را مورد مطالعه در مجله آموزش و پرورش سال ۱۳۸۱ قرار داده‌اند ، تمامی این اشخاص به طور خلاصه قندیل را از لحاظ کارکرد و نور بررسی کرده‌اند و نه از جنبه زیبایی شناسی و جایگاه آن. به نظر می‌رسد نیاز بوده است که قندیل مورد بررسی ویژه قرار گیرد بنابراین در این مقاله موردی نمونه‌های قندیل‌های طلای موجود در موزه آستانه مقدسه قم مورد سنجش قرار گرفته ، زیرا به نظر می‌رسد نه فقط این آثار، بلکه آثار شاخص بسیاری که در این موزه قرار دارند مغموم مانده شده و هرگز عرصه‌ای برای ظهور و شناخته شدن نداشته اند. قندیل‌های طلا که دارای ارزش مادی و معنوی زیادی است از لحاظ زیبایی شناسی بی‌بدیل هستند.

زیبایی شناسی

زیبایی‌شناسی رشته‌ای نسبتاً جدید و در عین حال بسیار کهن است(سوانه، ۱۳۹۳ : ۱۹) زیبایی شناسی به دنبال آن نیست که بداند چه چیزی زیباست بلکه می خواهد بفهمد چرا ما چیزی را زیبا می‌یابیم(همان:۳۲).

زیبایی شناسی دارای ریشه یونانی و به معنی حساسیت است . زیبایی‌شناسی که در عربی به آن علم‌الجمال گفته می‌شود؛ نظامی فلسفی است که درباره معنی و تعریف زیبایی، خاستگاه و چگونگی پیدایش تصورها و تصدیق‌های مختلف درباره زیبایی، ذهنی یا عینی بودن آن، فلسفه زیبایی و امروزه فلسفه هنر در تاریخ تمدن بشر و بالأخره نقش و ارتباط شناخت زیبایی با هنر و دیگر دستاوردهای ذوقی بشر گفتگو می‌کند(موسوی لر؛ یاقوتی ، ۱۳۹۳: ۶).

حکم زیبایی‌شناختی اصطلاح ویژه‌ی کانت در نقد قوه‌ی حکم است که در کنار دیگر امور ذهنی[1] یعنی امر مطلوب، امر خیر و امر والا، به قضاوت درباره‌ی امر زیبا می‌پردازد و آن را حکمی ذهنی، کلی، پیشاشناختی، بی‌غرض و خودغایت تعریف می‌کند. پروژه‌ی کانت چنان شرایط پیچیده و سختی را پیش روی صدور حکم زیبایی‌شناختی می‌گذارد ؛ که از سویی "مسأله‌ی

حضور مصرانه‌ی وجه شناختی در هنر معاصر، با زیبایی‌شناسی غیرشناختی کانت متعارض است" (Eaton, 2005) و از سوی دیگر رویکردهای آنتی استتیک (زیبایی‌گریز) در هنر نیز دایره‌ی شمول نظریه‌ای برخاسته از این اندیشه را تنگ ساخته است. (نجم‌الدین: ۱۳۹۲)

شاید از همین روی باشد که بسیاری از نظریه‌پردازان متمایل به نگرش و دستگاه نظری کانت (مانند سیبلی، بیردزلی، مادرسیل و ...) برای حفظ موقعیت و پاسخ به چالش‌های معاصر، ناگزیر به تقریرهایی روزآمد و البته متفاوت از زیبایی‌شناسی کانتی روی آورده و یا به خُرد کردن مفاهیم مطروحه توسط کانت پرداخته‌اند و این دیدگاهی است که این مقاله برگزیده تا بتواند حق مطلب را در مورد این هنر روحانی ایفا کند. مفاهیم مورد توجه در این مقاله که خود از دل مفهوم کانتی استخراج شده چنین است: رویکرد زیبایی‌شناختی (Shelley, 2012)، لذت زیبایی‌شناختی و لذت بصری (Matravers, 2003).

قندیل

قندیل - به کسر«ق»- به معنی چراغ‌دانی است که از سقف می‌آویزند(فرهنگ معین،ذیل قندیل)، قندیل معرب واژه یونانی کندلا [۲] به معنای شمع است. واژه ایتالیایی candela و chandelle را نیز از همین واژه گرفته‌اند. قندیل به معنای چراغ و نیز چراغ‌دان است(لغت نامه دهخدا ذیل قندیل). و نیز: نوعی چراغ فلزی که معمولاً از سقف آویز می‌شود(ریاضی،۱۳۷۵:۱۶۴).قندیل را از فلز(طلا ، نقره ، مس ، برنج ، مفرغ)و شیشه و سفال، در ابعاد گوناگون می‌ساخته‌اند(گرگانی، ۱۳۷۶: ۵۴). قندیل‌ها در اندازه‌های بزرگ، متوسط و کوچک ساخته می‌شدند.کوچک‌ترین قندیل شیشه‌ای موجود در بخش اسلامی موزه‌ی ملی ایران حدود ۶ سانتیمتر و بزرگ‌ترین نوع آن حدود ۳۳/۵ سانتیمتر ارتفاع دارد که البته نسبت به مکان مورد استفاده، اندازه آن‌ها متفاوت بوده است(حاتمی ۱۳۸۵: ۵۳).

نوع شیشه‌ای قندیل به دلیل قابلیت عبور کامل‌تر نور و همچنین به دلیل رنگی بودن و در نتیجه رنگارنگ نمودن محیط ، کارائی بیشتری داشته است. ساخت این فرم از قندیل را می‌توان تحولی در زمینه ساخت ابزار روشنایی دانست زیرا به دلیل قابلیت آویزان شدن، توانایی روشن نمودن فضای نسبتاً زیادی را داراست و چه‌بسا حباب‌هایی که در چراغ‌های امروزی به‌کار برده می‌شوند از همین قندیل‌ها الهام گرفته شده باشند(رحمانی، ۱۳۸۰: ۲۲). هر قندیل یک بدنه و یک گردن دارد که شمع یا فیتیله در داخل بدنه آن قرار می‌گیرد. برخی از قندیل‌ها دارای پایه و برخی فاقد آن هستند. در بدنه یا گردن برخی از آن‌ها نقاطی وجود دارد که محل نصب زنجیر است. اندازه قندیل‌ها بسته به موضع کاربرد آن‌ها متفاوت بوده است(گرگانی، ۱۳۷۶: ۵۴).

برروی قندیل‌های فلزی، نقوش مختلف به چشم می‌خورد که معمولاً قلم‌زنی و کنده‌کاری شده است و بیشتر شامل نقوش گیاهی و اسلیمی و خط نگاره‌ها می‌باشد. همان طور که اشاره شد قندیل در میان سایر ابزار و وسایل روشنایی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. یکی از دلایل این امر، استفاده از این وسیله در اماکن متبرکه و مساجد می‌باشد. چنان‌که در فرهنگ ناظم‌الاطباء آمده است: قندیل چی به معنای کسی است که در مساجد قندیل افروزد(چراغ چی مساجد) و یا قندیل ترسا به معنای قندیلی است که پیوسته در کلیسا که معبد ترسایان است آویخته باشد(علی اکبر دهخدا، ۴۷۶۵۱-۳۷۶۵۱). نکته دیگر، استفاده از این وسیله در

اوقات خاص چون لیالی متبرکه، شب‌های ماه رمضان و شب‌های آدینه می‌باشد(رشیدالدین فضل‌اله،۱۳۹۳: ۶۶۱). مکان دیگری که با قندیل در ارتباط است؛ مشکات است. مشکات را به معنای طاقی فراخ که در آن چراغ نهند و قندیل گذارند آورده‌اند(لغتنامه دهخدا). با وجود لامپ‌های نئون امروزه محراب‌ها خالی از قندیل است، امّا پیشتر از بالای آن چراغی آویزان بود(رید ،۱۳۶۷: ۱۵۵).حاصل این که از قندیل در مساجد و محراب‌ها و مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه و از نقش قندیل در محراب‌های سنگی و کاشی، لوح قبرها، قالی‌ها و قالیچه‌ها، صنایع دستی و آثار فلزی و پلاک‌های درویشان استفاده می‌شده است (شایسته‌فر،۱۳۸۱ : ۱۵۰).

درخصوص این معنا که قندیل ویژه اماکن مقدسه بوده و فراتر از صرفاً یک وسیله روشنایی و به نوعی نماد نورانیت و اشراق معنوی به شمار می‌آمده است، دو نکته زیر قابل اشاره است:

۱. ابیات سروده‌شده در ارتباط با قندیل

از ابیات سروده‌شده درباره قندیل، می‌توان به جایگاه آن به‌طور اخص و نگرش معنوی که پیرامون آن وجود داشته، دست یافت.

منوچهری دامغانی شاعر قرن ۴ و ۵ هـ.ق می‌گوید:

چو از زلف شب باز شد تاب‌ها / فرومُرد قندیل محراب‌ها...

و یا حکیم نظامی گنجوی شاعر قرن ۶ هـ.ق می‌گوید:

به شب ناله تلخ زندانیان / به قندیل محراب روحانیان...

و یا سعدی علیه الرحمه شاعر قرن ۷ هـ.ق می‌گوید:

نگه کرد و قندیل و محراب دید/ به سوز از جگر ناله‌ای برکشید... (حاتمی (۱۳۸۵ : ۵۴)

خاقانی شاعر قرن ۶ نیز در این باره شعری زیبا دارد:

چو قندیلم برآویزند و سوزند / سه زنجیرم نهادستند اعداء... (همان : ۵۳)

۲. آثار نگارگری به‌جامانده از قرون گذشته

این آثار شواهد بسیار قوی و مستدلی است که نه تنها جایگاه معنوی قندیل را به تصویر می‌کشد، بلکه جزئیات دقیقی را نیز از شکل ظاهری قندیل‌ها به ما ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه بعضی از قندیل‌های به تصویر کشیده شده قابل مقایسه با قندیل‌های موجود در موزه‌ی ملی ایران است و یا این‌که در بعضی تصاویر، از قندیل‌ها منگوله‌های سرخ‌رنگی آویزان است که بیشتر در صحنه‌های مذهبی و مقدس مشاهده می‌شود؛ از جمله این تصاویر می‌توان به نمونه‌هایی برگرفته از کتاب مقامات حریری، آثار الباقیه بیرونی و خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی بیرجندی اشاره کرد(همان :۵۵)

نقوش روی قندیل‌ها

تزیینات و نوشته‌های به‌کار رفته روی قندیل‌ها را می توان به سه بخش تقسیم نمود:

۱. آیاتی از قرآن کریم به خصوص آیه ۵۳ سوره مبارکه نور.

۲. نقوش اسلیمی گل و برگ و گاه تزیینات هندسی و غیره از آن جا که در دین اسلام از مصور نمودن انسان‌ها و جانوران نهی شده است و با توجّه به نقش مذهبی عمیق قندیل که پیشتر به آن اشاره شد، لذا در قندیل‌ها از نقوش انسانی و حیوانی خبری نیست اما زمینه‌ای مناسب

برای نقوش گیاهی، هندسی و خصوصاً کتیبه‌های مذهبی به وجود آمده است(شایسته فر، ۱۳۸۱ : ۱۵۲)

۳. کتیبه‌هایی که شامل نام واقف و یا اهداکننده قندیل بوده است. بسیاری از قنادیل به امر شاهان یا امراء و بزرگان و به قصد اهدا به مساجد و مشاهد ساخته شده که بیشترین تعداد آن‌ها مربوط به مساجد مصر می‌باشد و اغلب نام و نشان خاندان واقف روی این قنادیل وجود دارد(دیماند، ۱۳۶۵: ۳۲۲) اهدای چنین هدایایی سابقه‌ای بس طولانی دارد و در کتاب‌ها و اسناد، موارد زیادی از این دست به چشم می‌خورد(بختیاری ،۱۳۸۲:۱۳۳). لازم به ذکر است که بر روی بعضی از قنادیل ایرانی صلوات بر ائمه اطهار(ع)نیز نوشته شده است.

بررسی قندیل های موجود در موزه آستانه حضرت معصومه(س)

قندیل شماره : ۱۰۱۷

این قندیل، مسی با روکش طلا و مرصع و جواهر نشان می‌باشد(تصویر شماره ۱) متعلق به دوره قاجاری - قرن سیزدهم هجری قمری- واهدائی فتحعلی شاه قاجار است. این قندیل جزئی از مجموعه موقوفات اهدایی فتحعلی شاه قاجار به آستانه مقدسه به تاریخ ۱۲۴۲ شمسی است .

در صفحه چهارم وقف نامه قرآنی که در موزه آستانه مقدسه وجود دارد به شماره ۱۲۵۵ به وقف این قندیل و هزینه ساخت آن به مبلغ چهارهزارتومان اشاره شده است : « در این‌وقت نیز وقف صحیح شرعي و حبس مخلد ملي فرمودند این کلام الله مجید را با يك عدد قندیل طلاي ميناي مرصع به‌جواهر که مبلغ چهارهزارتومان صرف اتمام آن گردیده و جواهرات ثمین و ترصیعات تزئین آن که بدین موجب تشخیص یافته بروضه مطهره و بقعه منوره بضعه طاهره رسالت و زهراي سرادق عصمت و طهارت/ معصومه مکرمه التي تشرفت بمدفن‌ها ارض قم ، صلوات الله عليها و علي آبائها ، که قندیل مهربها را / در اصل بقعه عرش مساق رشك قندیل آفتاب در سقف فیروزه‌گون رواق / سازند و قرآن مجید را کافه ساکنین و متوطنین و عامه مترددین و زایرین از زمره ناحیه / شیعه امامیه تلاوت نموده ثواب آن عاید روزگار سعادت نمون و ذات مرحمت / مقرون اقدس همایون گردد» وزن آن ۳۶۸۷ گرم و تعداد سنگ‌های قیمتی به‌کار رفته در آن اعم از ریز و درشت دوهزار پنجاه دو عدد می باشد(۲۰۵۲عدد) ارتفاع قندیل حدود ۳۸/۵ سانتیمتر و قطر دهانه و پایه آن ۱۲ سانتیمتر است . از لحاظ ساختار زیبایی شناسی ظاهری، بدنه میانی قندیل به شکل کروی و زرین و مرصع بوده و کلاً دارای ۲۸ ترک عمودی است ۱۴ ترک دارای پوشش طلایی خالص و ۱۴ ترک با سنگ‌های قیمتی مانند الماس، یاقوت ولعل و زمرد تزئین شده است که طول هر ترک۱۲/۵ سانتیمتر و عرض هر ترک دو سانتیمتر است .قسمت پایه که طرح شیپوری دارد(تصویر شماره ۲)، دارای ۶ ردیف و هر ردیف دارای ۴۹ سنگ قیمتی است، دو لبه آن یعنی حد فاصل کتیبه‌های نستعلیق، دارای دو ردیف یکی ۴۶ عدد و دیگری۴۰ عدد زمرد سبز رنگ است، در قسمت بالاتر و ابتدای پایه، دو ردیف کوچک‌تر وجود دارد که یک ردیف دارای ۱۵ عدد زمرد سبز و ردیف بالای آن نیز دارای ۱۵ عدد یاقوت قرمز است . همین تعداد سنگ نیز در بالای قندیل در طرح شیپوری قرینه وجود دارد . در قسمت بالای پایه حالت کاسه مانندی وجود دارد که طرح کروی شکل روی آن قرار گرفته

تصویر۱
قندیل طلا شماره ۱۰۱۷
عکاس: امیرحسامی نژاد

است و مجموعاً دارای ۱۲۶ عدد سنگ ریز و درشت است. دقیقاً به همین تعداد در کاسه قرینه در بالای طرح کروی شکل نیز وجود دارد که گواه تناسب تقارن پذیر این قندیل است. در قسمت بدنه اصلی در کنار ۱۴ ترک زرین ، ۱۴ ترک مرصع و جواهر نشان وجود دارد که که هر ترک دارای هفتاد /۷۰ عدد سنگ قیمتی متنوع بوده و مجموع سنگ‌های این قسمت ۹۸۰ عدد می‌باشد . بخش فوقانی با چهار کتیبه به خط نستعلیق مینایی، همراه با نقوش اسلیمی الوان و دوبیت شعر در چهار مصرع به شرح ذیل است :

ای قندیل دخت شه عرش اورنگ گر گوهر تونشسته گردون سنگ
مهری تو نه کر مهر جهان آرایی برقبه چرخ ساچرائی آونگ

در بخش تحتانی نیز، چهار کتیبه مینایی همراه با نقوش اسلیمی الوان با عبارت ذیل به خط نستعلیق طلای برجسته آمده است(تصویر۲) : «این خجسته قندیل مکلل از موقوفات سرکار / خلافت مدار شاهنشاه صاحبقران فتحعلی شاه / قاجار ابدالله تعالی ملکه است / بر مرقد منور بضعه احمدی علیها و علی آبائها السلام فی سنه ۱۲۴۲» . در لبه بخش فوقانی، چهار بست حلقوی و چهار رشته زنجیر فلزی برنجی به رنگ زرد و اکسیده جهت آویز وجود دارد ، طول هر رشته زنجیر حدود ۵۵ سانتیمتر است.

در وقف نامه این قندیل (مندرج در متن وقف نامه قرآن شماره ۱۲۵۵) به تعداد جواهرات و سنگ‌های قیمتی منصوب بر آن، به خط سیاق و در دو سطر اشاره شده است، که این خط سیاق در کتاب تربت پاکان(جلد اول، صفحه ۱۸۵) اثر آقای مدرسی طباطبایی که در سال ۱۳۵۵ شمسی و ۲۵۳۵ شاهنشاهی انتشار یافته، چنین بازخوانی شده است :

الماس درشت و ریزه ۲۳۵ قطعه
لعل درشت و ریزه ۴۹ قطعه
یاقوت درشت و ریزه ۸۸۵ قطعه
زمرد درشت و ریزه ۸۸۳ قطعه

(مروارید آویز، دوره بالا و پایین ۲۸۹۸ عدد / بالا ۶۷۶ عدد- پایین ۲۲۲۲ عدد) جمع کل ۴۹۵۰ عدد حاصل این که برابر با متن وقف نامه، تعداد سنگ‌های قیمتی ۴۹۵۰ قطعه است اما مرواریدهای آویز بالا و پایین کلا کسری دارد لذا تعداد سنگ-های قیمتی موجود ۲۰۵۲ عدد می‌باشد که کارشناس محترم موزه آستانه مقدسه، آقای بهزاد یوسف زاده در تاریخ ۹۷/۲/۲۶ شمارش و احصاء کرده‌اند . به‌طور تقریبی تعداد کل سنگ ها؛ ۵ برابر تعداد یاقوت است. تعداد الماس‌ها ۵ برابر تعداد لعل‌ها است و همین طور تعداد یاقوت و زمرد و لعل و الماس بر روی هم به اندازه تعداد تمام مرواریدهای کار شده می‌باشد. تناسبی که در تعداد سنگ‌های قیمتی به‌کار رفته و نیز نسبت اعداد یاقوت به الماس و الماس به لعل آن‌چنان حساب شده و حیرت انگیز است که حتی بدون وجود نور کافی نیز، قندیل جلوه‌ای خیره کننده و درخشان دارد .

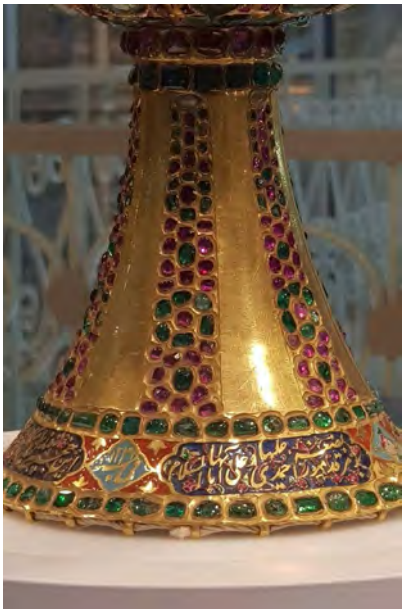

تصویر۲
قندیل طلا شماره ۱۰۱۷
عکاس: امیر حسامی نژاد

قندیل طلایی به شماره : ۱۰۱۸

قندیل طلای مرصع‌کاری شده‌ای است که متعلق به دوره قاجاری بوده(تصویر شماره ۳) و در قرن سیزدهم هجری قمری ساخته شده است. وزن آن ۴۸۷گرم می‌باشد و ارتفاع قندیل حدود ۱۴ سانتیمتر و قطر بدنه ۸ سانتیمتر و قطر دهانه و پایه نیز ۸/۵ سانتیمتر می باشد. این قندیل شامل سه قسمت می‌باشد که بخش میانی با پنج ترنج برجسته و هر ترنج با یک

عدد نگین درشت سبزتراش خورده است و حاشیه آن نیزدارای ده عدد یاقوت ریزاست که در حال حاضرالبته کسری دارد . بخش‌های فوقانی و تحتانی به صورت شیپوری و با لبه کنگره‌ای هستند و بر روی قسمت میانی منصوب شده‌اند. کتیبه این قندیل جمله : « وقف حضرت معصومه نمود » به خط نستعلیق است که برروی قسمت تحتانی آن حکاکی شده است. جداره داخلی این قندیل در قسمت میانی از جنس مس بوده و بخش فوقانی آن نیز دارای چهار زائده کوچک حلقوی جهت آویز قندیل می‌باشد که البته این قندیل فاقد زنجیر است. بدنه میانی(تصویر شماره ۴) با دو ردیف نقوش تکراری گیاهی و دو دایره برجسته تزئین یافته است و متاسفانه کمی مصدوم شده است. ظرافت به‌کار رفته در این قندیل موجب شده که به تدریج خمیدگی‌های درآن به-وجود آید. درارزیابی قندیل ازلحاظ زیبایی شناسی، بدون جزء کامل کننده یعنی نور، نمی‌توان به درستی حق مطلب را ادا نمود. زیرا بی شک تلالو نور، زیبایی و درخشندگی قندیل را چندین برابر می‌کند .

تصویر۳
قندیل طلای مرصع کاری شده شماره ۱۰۱۸
منبع: نگارندگان

تصویر۴
قسمت میانی قندیل طلا شماره ۱۰۱۸
منبع:نگارندگان

قندیل طلایی مینا به شماره: ۱۰۱۹

این قندیل طلای مینا کاری شده (تصویر شماره ۶) ، متعلق به دوره قاجاری و تاریخ ساخت آن قرن سیزدهم هجری قمری است.

وزن قندیل بدون زنجیر۵۶۰گرم است و وزن زنجیرآن ۷۶ گرم می باشد. ارتفاع قندیل حدود۲۰ سانتیمتر و قطر بدنه نیز۱۰ سانتیمتر است. حدود تناسب دو به یک می باشد که این تناسب در زنجیر هم رعایت شده است. در ظاهر ، قطر دهانه و پایه ۹ سانتیمتر می‌باشد و با نقوش مینایی گل و برگ الوان(سبز ، آبی ، قرمز) تزیین شده است(تصویر شماره ۵). قطعات فوقانی و تحتانی نیز با فرم شیپوری بوده که بر قطعه میانی کروی نصب شده است .

دو قطعه تحتانی و فوقانی به شیوه شش ترک منقش است و هرقسمت دارای چهارگیره، جهت آویزاست. قندیل دارای پنج شاخه زنجیر مسی است که زنجیرها به یک عدد حرز ترنجی شکل نقره‌ای متصل می‌باشند . روی این حرز اعداد مختلف نوشته شده است. زنجیر بلندتر به طول ۴۰ سانتیمتر و چهار رشته دیگر هریک به طول۲۰ سانتیمتر می‌باشد. یعنی زنجیرها به نسبت، یک به دو می باشند. قسمت‌های مختلف دارای ریختگی رنگ و لعاب است. زیبایی شناسی در این قندیل نه تنها ادراکی از تک تک اجزا به ما می دهد بلکه کلیتی می‌سازد که تجربه‌ای جدید از هنر نقاشی و فلزکاری است. بازی نور و سایه و رنگ، به نحو خیره کننده‌ای در این قندیل به هم گره خورده است.

رنگ‌ها(تصویر۵) در تلالو نور نه تنها کم فروغ نشده اند بلکه روشن‌تر و زنده‌تر می‌نمایند. طراح، رنگ‌های میانی را کم فروغ‌تر نسبت به بالا و پایین کار کرده و گویی محو شدگی در میانه را مد نظر داشته است.

نتیجه

قندیل که با ماهیت نور و اشراق سروکار دارد، در طرح‌ها و اندازه‌های خاصی و همراه با تزیینات و نقوش ویژه‌ای ارائه می‌شود. به موزه آستانه مقدسه حرم حضرت معصومه سلام الله علیها ، قندیل‌های متفاوتی اهدا شده است که شاخص‌ترین آن‌ها قندیل‌های طلا هستند. به نظر می‌رسد که طراحان این قندیل‌ها سعی داشته‌اند با استفاده از سنگ‌های زینتی برّاق و درخشان، هم به لحاظ بصری و زیبایی شناختی و هم به لحاظ معنوی و اشراقی، بر جلوه و جلای قندیل‌ها بیافزایند. لذا سنگ‌ها را با نسبت و تناسب خاصی به کارگرفته‌اند و حتی آن‌جا که از زمرد و یاقوت خبری نیست چنان با تبحر طرح انداخته‌اند و رنگ آمیزی نموده‌اند و میناکاری کرده اند که جلال و جبروت اثر را چندین برابر کرده است .

تصویر۵
قندیل طلای میناکاری شماره ۱۰۱۹
منبع:(نگارندگان)

تصویر۶
بخشی از قندیل طلای میناکاری شماره ۱۰۱۹
منبع : (نگارندگان)

پی‌نوشت

۱. Subjective

۲. Kandhela

منابع

-بختیاری، امیر هوشنگ(۱۳۸۲). منصب چراغچی در عتبات عالیات. تاریخ اسلام (۱۵) : ۱۲۷-۱۵۶.
-حاتمی، فاطمه(۱۳۸۵). قندیل نماد نور الهی: وقف میراث جاویدان. (۵۴): ۵۱-۶۸.
-دارایی، علی اصغر(۱۳۷۷). قندیل های جان و نگاه دینی. رشدآموزش معارف اسلامی۳۷-۳۲:(۳۳).
-دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. دوره جدید،ج ۱۱.
- دیماند، موریس اسون(۱۳۶۵). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمهء عبد الله فریار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
-رحمانی، نازله(۱۳۸۰). معرفی یک قندیل استثنایی از دوره صفویه. گلستان قرآن(۶۸) : ۲۲-۲۶.
- رشید الدین فضل الله(۱۳۹۳). وقف¬نامه ربع رشیدی. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. ص ۸۶۱- ۶۶۱.
- ریاضی، محمدرضا(۱۳۷۵). فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران. تهران: چاپخانه دانشگاه الزهرا.
-رید، هربرت ادوارد(۱۳۶۷). کتاب هنر. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- سوانه، پیر(۱۳۹۳). مبانی ¬زیبا شناسی. مترجم محمد رضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی.
-شایسته فر، مهناز(۱۳۸۱). جایگاه و نمود مذهب در قندیل¬های ایرانی . مشکوه۱۴۸ -۱۵۴
-گرگانی، مهرانه(۱۳۷۶). ابزار و روشنایی در هنر اسلامی و نور در معماری ایران. مجله میراث فرهنگی(۷۱) :۴۵

-موسوی لر، اشرف السادات ؛ یاقوتی، سپیده(۱۳۹۳). زیبایی شناسی کلام و حیانی قرآن. جلوه هنر(۱۲) : ۱۸-۵ .
-نجم الدین، فواد(۱۳۹۲). تبیین تجربه-ی زیبایی شناختی. مجله فلسفه نو. شماره زیبایی شناسی.

- Eaton, M. M. (2005). Aesthetic Experience, In D. M. BORCHERT (Ed.). Encyclopedia of Philosophy (Vol. 1). MacMillan.
- Matravers, D. (2003). The Aestheti Eperiene. British Journal of Aesthetis . 43 (3).
- Shelley, J. (2012 Edition). The Concept of the Aesthetic. In E. N. (ed.). Stanford Encyclopedia of Philosophy.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی